

نگاه تمدنی به روایات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

روایات اهل بیت (ع) معدن عظیمی از دانش و معرفت است که شناخت آن و دریافت ژرفای مبانی و اندیشه‌های ائمه (ع) می‌تواند نیروی بالقوه‌ای را که در این دریای عظیم معرفتی نهفته است، آشکار کند.

منظور از نقش بالقوه روایات، نقشی است که روایات می‌توانند در شکوفایی تمدن نوین اسلامی داشته باشند، ولی هنوز به آن توجه نشده و این بی‌توجهی به سبب عدم شناخت ژرفای این معارف با رویکرد تمدنی است.

رویکرد تمدنی به آموزه‌ها نشانگر این است که معارف اهل بیت (ع) این شایستگی را دارد که از حوزه اندیشه و تفکر عبور کرده و به مدل و الگو تبدیل شود.

با وجود توجه صاحب نظران به حدیث و روایات، متأسفانه نقش تمدنی روایات مورد غفلت قرار گرفته و جای این موضوع در پژوهش‌های علمی خالی است. نگاه غیر تمدنی به روایات اهل بیت (ع) سبب شده تا فرهنگ غیر کاربردی خطابه‌ای در میان مسلمانان نهادینه شود و نقش روایات در جامعه تنها نقل آنها در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها باشد. اما نگاه تمدنی به روایات می‌تواند نقش روایات را از حوزه نقل و انتقال بالا برده و زمینه‌ساز شکوفایی تمدن نوین اسلامی شود.

تمدن نوین اسلامی محصول کاربرد و پیاده‌سازی محتوای روایات در عرصه زندگی است. ما باید با چه روشی سراغ روایات برویم تا نتیجه آن شکوفایی تمدن نوین اسلامی باشد؟ این مهم زمانی صورت می‌گیرد که محتوای روایات در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی پیاده شود.

شکوفایی تمدن نوین اسلامی مستلزم شکوفایی نقش‌های بالقوه روایات است و این مهم محقق نمی‌شود، مگر اینکه اندیشمندان حدیث‌پژوه با رویکرد تمدنی در کنار رویکرد قدسی و میراثی به پژوهش‌های حدیثی روی آورده و برای هر یک از نظام‌های ارزشی، فکری و عینی با استفاده از معارف اهل‌بیت (ع) به استخراج نظام و مدل بپردازند.

باید محتوای آموزه‌های اهل‌بیت (ع) از مرحله نقل و انتقال به مرحله کاربردی برسد که کلیه نظام‌های فکری، ارزشی و عینی جامعه بر پایه آن بنا شود. نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی باید بر اساس رهنمودهای اهل‌بیت (ع) باشد، و این امر در سایه حکومت اسلامی که اسلام را به جامعه برگرداند، محقق می‌شود.

به فعلیت رساندن نقش بالقوه روایات اهل‌بیت (ع) به منظور شکوفا شدن تمدن نوین اسلامی، نظریه‌پردازان و مجریانی نخبه می‌طلبند. روایات با طرح و ارائه اصول و شیوه‌های عملی در چگونگی تدوین سبک زندگی نقشی غیرقابل انکار دارند. در روایات همه آنچه به زندگی انسان در بعد فردی و اجتماعی مربوط می‌شود مطرح شده است. از شیوه ذکر گفتن و عبادت کردن، نوع تربیت فرزندان، روش‌های تعدیل درآمد، نوع برخورد با دوست و دشمن و روش‌های حفظ منافع داخلی و خارجی و ... همه در روایات بیان شده است، و به یقین هدف اهل‌بیت (ع) از بیان این معارف چیزی فراتر از خطابه بوده است. بدیهی است تا زمانی که با این معارف برخورد خطابه‌ای شود، تمدن نوین اسلامی شکوفا نخواهد شد. این آموزه‌ها سبک و روش زندگی را در همه اجزا و ارکانش برای انسان بیان می‌کند.

از همین رو وظیفه اندیشمندان است که با عزمی راسخ، سبک زندگی اسلامی را از دل این روایات و احادیث استخراج کنند.

در همه زمان‌ها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت.

اصول فعلیت‌بخشی به روایات جهت شکوفایی تمدن نوین اسلامی

در بررسی روایات از جمله اصولی که در فعلیت رساندن نقش‌های بالقوه روایات در شکوفایی تمدن نوین اسلامی مؤثر است و باید توسط اندیشمندان در نظر گرفته شود، مواردی است که در ادامه به آنها اشاره‌ای کوتاه می‌شود:

الف) تلفیق زندگی مادی و معنوی:

مسلمان امروزی تنها در معرض خطابه‌ای اندیشه‌های دین‌قرار گرفته است؛ بنابراین همین که وارد عرصه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود، با تناقض‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود. برای حل و فصل این تناقض‌ها باید دانست تا چه اندازه نظم اجتماعی موجود در دنیای اسلام با اندیشه و اصول ثابت دینی و اسلامی تفاهم و تزاخم دارد؟ عموماً مسلمانان تفکیک زندگی معنوی از زندگی مادی را پیش گرفته‌اند؛ بدین صورت که زندگی معنوی از اسلام نشأت می‌گیرد و زندگی

مادی به عناصر و عوامل دیگر وابسته است؛ این در شرایطی است که برای تمدن سازی، ابعاد معنوی و مادی باید در یک چارچوب واحد رشد و نمو کنند و کلیت حیات مسلمین را دربر گیرند. در تمدن اسلامی انسان‌ها باید در هر دو زمینه فعال باشند. اساس تمدن اسلامی این است که با وجود روح تمدن و نرم افزارها، سخت افزارها به وجود خواهند آمد؛ در واقع معنویات است که مادیات را می‌سازد و این اصل امروزه در جامعه اسلامی کم‌رنگ است و اگر بخواهیم تمدن اسلامی شکوفا شود باید زندگی مادی و معنوی هر دو از یک اصل نشأت گیرد که آن قرآن و سنت است. از دیدگاه اهل بیت (ع) فراموشی این دو اصل اساسی قرآن و سنت مرگ تمدن اسلامی را در پی خواهد داشت: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يَسْمُونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدَهُمْ غَامِرَةٌ وَ هِيَ خَزَابٌ مِنَ الْهَدْيِ فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءٍ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتْ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ؛ مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار ساختمان مسجدهای آنان نو و تازه‌ساز است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند، فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآویزد». (اصول کافی، ج ۸، ص ۳۰۸)

ب) لزوم نظریه‌پردازی اسلامی:

یکی از مشکلات امت اسلام توجه نکردن به علوم انسانی در جایگاه زیرساخت علوم تجربی است و مسلمانان در حوزه علوم انسانی با فقر تئوریک روبه‌رو هستند.

بسیاری از دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام تنها راه پیشرفت و تعالی را توجه به علوم تجربی و رشد در این علوم دانسته و از علوم انسانی غافل شده‌اند.

صاحب‌نظران مسلمان وظیفه دارند این رویکرد را تغییر داده و بار دیگر بذرتوجه به علوم انسانی را در جامعه بیفشانند. بدون تردید شکوفایی تمدن نوین اسلامی نیازمند توجه به علوم انسانی و مبانی آن است.

بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت کننده و اداره کننده همه اینها خواهد شد.

آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و ژرف و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد.

با توجه به آنچه مطرح شد، نقش بالقوه روایات در اولین و حساس‌ترین مرحله، در تربیت انسان الهی است، که این امر مستلزم این است که انسان‌ها در سایه حکومت اسلامی به اسلام اصیل برگردند و ارزش‌ها در جامعه حاکم شود.

انسان الهی در تمدن اسلامی، خود در حاکم نمودن توحید، معنویت، اخلاق و عدالت نقش دارد. ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود. ■